

## افغانستان به کمک خارجی نیازمند است

محمد رضا هویدا

خروج نظامیان خارجی از افغانستان، فرصت را برای وارد شدن جنگجویان طالبان و دیگر گروه های تروریستی فراهم ساخت تا به میزان و حجم فعالیت های شان افزوده اند. مدت زیادی از خروج بخش اعظمی از نیروهای خارجی نمی گذرد، که در سال ۲۰۱۵ شاهد تحرکات جدی و وسیع طالبان هستیم. طالبان توانسته اند به راحتی به بخش های زیادی از کشور رخنه کنند و همین گونه عملیات های وسیع و پیچیده ای را نیز با اجرا در آوردند. طالبان در همین یک سال اخیر توانستند از به عملیاتی مثل کندز مبادرت ورزند، که نه تنها یک مسئله جدی برای امنیت کشور به حساب می آید، که نوهی زور آزمایی با دولت و حامیان دولت نیز به شمار می رود. در همین روزها، دولت افغانستان با چهره جدید طالبان آشنا می شود که طالبان را به عنوان یک تهدید بزرگ برای کل امنیت کشور نشان می دهد. در این تهدید طالبان نه تنها به عنوان یک گروه مخالف که جنگ های نامنظم و عملیات تروریستی را هدایت می کند دیده می شود، بلکه به عنوان یک نیروی جدی و با امکانات وسیع که تصرف شهرهای کشور را هدف قرار داده اند، در افکار عمومی معرفی شده است.

امریکا به عنوان بزرگترین حامی دولت افغانستان در عرصه های اقتصادی و نظامی در طول چهارده سال گذشته، رهبری نیروهای خارجی را در این کشور به عهده داشته است. حضور نظامی ایالات متحده آمریکا برای افغانستان جنبه حیاتی دارد. کاهش نیروهای نظامی ناتو و همین گونه ایالات متحده آمریکا، تئور جنگ در افغانستان را شعله ور تر ساخته است. از مدتها پیش باور آگاهان مسائلی نظامی بر این بود که طالبان به امید خروج نیروهای نظامی خارجی از افغانستان نشسته اند و برای آن روز لحظه شماری می کنند. تجربه نیز همین را ثابت کرد که حضور نیروهای نظامی خارجی برای طالبان یک غنیمت شمرده شده و این گروه به عملیات ها و حملات شان افزوده اند.

ورود نیروی تروریستی جدیدی تحت نام داعش در افغانستان، وضعیت کشور را با تهدید جدی تری مواجه ساخته است. با وجود هشدارهایی که داده شده بود، اما افغانستان نتوانسته است جلو ورود داعش به کشور را بگیرد. داعش به زودی در ولایاتی پایگاه و مرکز نفوذ برای خود درست کرد. داعش اما خطری جدی تر از طالبان متوجه افغانستان ساخته است. داعش گروه افراطی تر و با برداشت های سطحی تر و خشک تر که خود را بخشی از داعش در عراق و سوریه می پندارد، به نفوذ در افغانستان امید بسته است. افغانستان به صورت منطقی نیز می تواند پایگاهی باشد برای شماری از گروه های افراطی، همان گونه که بخش هایی از مناطق قریلی پاکستان نیز می تواند منطقه ای برای نفوذ گروه های افراطی باشد. نفوذ سریع این گروه در بخشهایی از کشور نیز گواه همین مدعا است که زمینه حضور این گروه در بخش هایی قریلی افغانستان نیز می تواند وجود داشته باشد.

بدین لحاظ افغانستان به حمایت و کمک نیروهای بین المللی شدیداً نیاز دارد. افغانستان در واقع توانایی مدیریت بحرانهای امنیتی را به تنهایی ندارد. افغانستان نه از نظر اقتصادی و نه از نظر سیاسی و اجتماعی قدرت این را که بتواند بر بحران امنیت در نبود نیروهای خارجی فائق آید ندارد. خروج کشورهای خارجی همانند ایالات متحده آمریکا نیز حالی که افغانستان درگیر در جنگی تمام میار با گروه های افراطی است نیز به معنای ناتمام ماندن مأموریت این کشور می باشد. تهدیدی که اکنون از سوی گروه های افراطی مانند طالبان و القاعده و داعش متوجه کشورهای جهان می باشد، بالاتر از مصارفی است که این کشورها ممکن است در افغانستان بکنند.

از زمانی که سیاستمداران و دولتمردان افغانستان و کشورهای حامی آن مدعی شدند که افغانستان می تواند به تنهایی در مقابل گروه های افراطی و تروریستی ایستادگی کند، هشدارها نسبت به غیر واقعی بودن این ادعا داده شد، اما بی توجهی به این هشدارها پیامدهای ناگواری را برای افغانستان در بر داشته است، که گسترش ناامنی های فعلی یکی از نمودهای آن است.

هفته گذشته شماری از اعضای نهادهای مدنی و فعالان مدنی به مناسبت یکمین سالگرد حکومت وحدت ملی طی مراسمی در پارک شهرتو کابل مراسم «فاتحه حکومت وحدت ملی» را برگزار نمودند. در این محفل اشتراک کنندگان حکومت موجود را بخاطر عدم توجه به خواست مردم و ناتوانی در برآورده ساختن وعدههای داده شده شدیداً مورد انتقاد قرار دادند. مسئله ناتوانی حکومت وحدت ملی در تأمین امنیت و رشد اقتصادی و مبارزه با فساد اداری و افزایش اعتیاد و بیکاری در کشور از مهم ترین انتقادهای بود که آنان مطرح ساختند.

قابل یادآوری است که از هنگام برگزاری سومین دور انتخابات ریاست جمهوری و عبور از کشمکش های انتخاباتی و اعلام حکومت وحدت ملی نزدیک یک سال می گذرد. حکومت وحدت ملی بدینابل یک توافق سیاسی میان دو جناح انتخاباتی قدرت را بدست گرفت تا به وعدههای انتخاباتی که به مردم داده بود عمل نماید. اینک پس از یکسال این پرسش مطرح است که آیا رهبران حکومت وحدت ملی در تحقق وعدههای شان موفق بوده اند؟ پیشاپیش باید روشن ساخت که منظور

برآورده شدن تمام وعدههای انتخاباتی در مدت زمان اندک نمی باشد، بلکه هدف اصلی پرسش این است که آیا روند و شرایطی که وجود دارد بسوی تحقق اهداف یادشده پیش می رود؟ اگر سرفصل وعدهها و نویدهای رهبران حکومت ملی را در زمان تبلیغات انتخاباتی «مبارزه با فساد» بدانیم، که در واقع نیز چنین است و مسئله فساد گسترده در ساختار اداری و سیاسی از چالش های اساسی برای تحقق حکومتداری خوب دانسته می شود، باید گفت که حکومت وحدت ملی در طی یکسال گذشته در این امر بطور مطلق ناکام بوده است. به زعم بسیاری از آگاهان داخلی و خارجی افغانستان هم چنان از کشورهای پیشازاد در فساد اداری است. سالانه نزدیک به چهار میلیارد دلار در کشور حیف و میل می شود و مبارزه با این پدیده شوم یک آزمون سخت دانسته می شود. رئیس جمهور به عنوان شخص اول مملکت به تصمیم گیرنده اصلی حکومت در نخستین روزهای آغاز بکار حکومت یادشده مبارزه با فساد را در اولویت قرار داد. وی یکی از سه فرمان اول خود را برای مبارزه با فساد صادر کرد و حاصل آن بازگشایی بزرگترین

و جنجالی ترین پرونده فساد مالی این کشور، یعنی پرونده کابل بانک بود. هرچند دادگاهی کردن شماری از اعلان فساد در این بانک، گامی به پیش ترقی می گردد اما سرنوشت این قضیه هم چنان نامعوم و ابهام قرار دارد. به سخن دیگر برخی از اقدام های حکومت نشانه های مثبت از اقدام های نخستین تلقی شده و در ادارات، تشکیل کمیته مشترک نظارت و ارزیابی از مبارزه با فساد و... صورت گرفته است. نماندگی های نظری و عملی نشده است. اما هنوز گارهای بسیار زیادی مانده که باید انجام شود. بطور مثال در چند ماه گذشته که اتحادیه اروپا سفارشات خود را روی میز آقای غنی گذاشته است تنها دو سفارش از

هفت سفارش عملی شده است. عرصه دیگری که کارکرد یکسالگی حکومت وحدت ملی را به نمایش می گذارد کارخانه ها ۴۰ تا ۵۰ درصد کارمندان و کارگران خود را اخراج کرده اند. سخن آخر در این عرصه این که گسترش بیکاری و فقر در جامعه و فساد دهها هزار جوان از کشور برای جستجوی شغل و کار در خارج خود نشانه روشن از وخیم بودن اوضاع اقتصادی و ناکامی حکومت در عرصه اقتصادی دانسته می شود. وضعیت نگران کننده ای که برخی از دست آوردهای جدید وضعیت اقتصادی بدتر شده است، سرمایه گذاران ورشکست شده اند، صنعت کاران مجبور به تغییر کسب و کار شان گردیده اند و هزاران افغان به دلیل کاهش سرمایه گذاری و ورشکست شدن کارخانه ها کار شان را از دست داده اند. این اتاق بطور نمونه یادآوری می کنند که رئیس جمهور در تبلیغات های انتخاباتی وعده داده بود که ۵۰۰ هزار خانه در یک سال ساخته خواهد شد. او گفته بود که ستور ساختن بیشتر زمین اشتغال را فراهم خواهد کرد. اما با گذشت یک



عبدالله هروی

# حکومت وحدت ملی یک ساله شد، اما ...

برای شهروندان کشور و حفظ اقتدار ملی در داخل و خارج کشور موفقیت چشم گیر و درخور توجه نداشته است. اگر وضعیت کنونی ادامه یابد برای سال های آتی نیز جسی امیدواری برای بهبود یافتن شرایط کنونی باقی نمی ماند.

واقعیت امر نیز همین است که افغانستان اکنون در شرایط سخت و تعیین کننده به سر می برد. حکومت وحدت ملی شاید برای عبور از یک بحران خطرناک انتخاباتی توانست یک موفقیت خوب تلقی گردد، اما نباید از یاد برد که شرط دوام این موفقیت آن بود که حکومت یاد شده بایستی توانایی خود را در راستای برآورده شدن خواست مردم و وعده های داده شده به مردم نیز ابتکار و خلاقیت و فعالیت فوق العاده خود را بکار می بست. انتقادی که اکنون بر حکومت می توان آورد این است که رهبران حکومت وحدت ملی نتوانستند از ظرفیت های ملی و مردمی استفاده مطلوب را برای بهبود بخشیدن به وضعیت کشور بنمایند. نه تنها در این زمینه موفقیت لازم را بدست نیاوردند بلکه وضعیت عمومی متأسفانه در عرصه های مختلف روبه وخامت نهاده است. یکی از مهم ترین نگرانی ها و کاستی ها که حکومت وحدت ملی را در انزوا قرار داده است فاصله ای است که میان رهبران حکومت و مردم بوجود آمده است. بنابراین در یک سالگی حکومت وحدت ملی این شجاعت و دلیری سیاسی انتظار برده می شود که رهبران سیاسی حکومت در برنامه های موجوده تجدید نظر نموده و با یک ارزیابی دقیق و صادقانه نظر حاکمیت قانون و تأمین امنیت و رونق اقتصادی کشور تلاش ورزند. آنان ناپستی اجازه دهند که تضادهای فرعی گروهی و قومی و زبانی بیش از این زبانه کشیده و مسایل ملی را تحت اشاع خود قرار دهند. اعاده اعتماد ملی امری دیگری است که رهبران سیاسی باستانی هرچه زوری تر بدان توجه نشان دهند. آنان نباید بگذارند که فاصله رهبران سیاسی و مردم بیش از این زیادتر گردد تا دشمنان داخلی و خارجی از آن بهره برداری نمایند. آینده نشان خواهد داد که آیا رهبران حکومت وحدت ملی از یک سال کارشان و ناکارآمدی خود درس عبرت گرفته اند یا خیر! آیا خواهند کوشید که با جسارت سیاسی توانایی ها و ناتوانی های خود را دریاقت به این که همان راه اشتباه را هم چنان ادامه می دهند!

سال هیچ کاری در این زمینه نشده است. هم چنین آماری که از سوی این اتاق ارایه گردیده نشان می دهد که اکثر شرکتهای کارخانه ها ۴۰ تا ۵۰ درصد کارمندان و کارگران خود را اخراج کرده اند. سخن آخر در این عرصه این که گسترش بیکاری و فقر در جامعه و فساد دهها هزار جوان از کشور برای جستجوی شغل و کار در خارج خود نشانه روشن از وخیم بودن اوضاع اقتصادی و ناکامی حکومت در عرصه اقتصادی دانسته می شود. وضعیت نگران کننده ای که برخی از دست آوردهای جدید وضعیت اقتصادی بدتر شده است، سرمایه گذاران ورشکست شده اند، صنعت کاران مجبور به تغییر کسب و کار شان گردیده اند و هزاران افغان به دلیل کاهش سرمایه گذاری و ورشکست شدن کارخانه ها کار شان را از دست داده اند. این اتاق بطور نمونه یادآوری می کنند که رئیس جمهور در تبلیغات های انتخاباتی وعده داده بود که ۵۰۰ هزار خانه در یک سال ساخته خواهد شد. او گفته بود که ستور ساختن بیشتر زمین اشتغال را فراهم خواهد کرد. اما با گذشت یک

# چرا حملات گروه طالبان افزایش یافته است؟

اختر منصور برای تثبیت خود نیازمند فعالیت بیشتر بود. برای همین، در سراسر کشور حملات را گسترش داد. این حملات و به خصوص حمله و کنترل سه روزه شهر قندوز توسط این گروه موقعیت ملا اختر منصور را تا اندازه زیادی تغییر داد و او را نسبتاً به رقیبانش برجسته ساخت. با این حال، رهبر جدید گروه طالبان برای تثبیت و یافتن جایگاه رهبر قبلی به شدت نیازمند فعالیت بیشتر و رازی نگه داشتن اعضای گروه طالبان می باشد. بنابراین، برای همین حملات گروه طالبان افزایش یافته است و انتظار می رود در ماه های آینده نیز این حملات ادامه یابد. به احتمال زیاد، حملات گروه طالبان با سرد شدن هوا کاهش یابد.

سوم: خیر مرگ صلا عمر روابط کابل - اسلام آباد را یکبار دیگر پر تنش ساخت. اعتماد شکل گرفته دوباره قسر ریخت. مقامات کابل معتقد است که پاکستان خیر مرگ ملا عمر را از گروه طالبان و حکومت افغانستان پنهان کرده بود و حکومت افغانستان را در پروسه صلح به بازی گرفته بود. با وجود رفت و آمد های مقامات پاکستانی به کابل، اما اعتماد فروریخته بازسازی نشد. به نظر می رسد که پاکستان با تمویل و تجهیز بیشتر گروه طالبان در صدد فشار بر حکومت کابل است. اکنون دیگر، رابطه ارتش و سازمان استخباراتی پاکستان با گروه طالبان بر کسبی پنهان نیست. هم خود پاکستانی ها و هم افرادی از درون کاخ سفید در آمریکا به این رابطه اذعان کرده است. مقامات حکومت کابل نیز، بارها از رابطه آن ها سخن به میان آورده است. بنابراین، افزایش حملات گروه طالبان می تواند به معنی فشار پاکستان بر حکومت کابل و بازداشتن کابل از نزدیک شدن به دهلی نو جلوگیری نماید.

بنابراین، سه عامل اساسی و عمده در افزایش حملات گروه طالبان نقش برجسته دارد. اولی ظهور گروه رقیب و تهدید کننده موجودیت گروه طالبان. دوم فقدان مشروعیت رهبری جدید طالبان و جلب توجه و اعتماد و حمایت اعضای گروه طالبان و حمایت بیشتر نیرو های خارجی از این گروه از عوامل افزایش و تشدید حملات این گروه می باشد.

اسلامی جواز حضور، زندگی و فعالیت به بنیادگرایان از سراسر جهان را داده بود. القاعده به عنوان یک گروه تروریستی بین المللی در افغانستان فعالیت داشت. از افغانستان حملات را بر نقاط مختلف جهان از جمله برج های تجارت جهانی سازماندهی کرد. حمایت گسترده بنیادگرا در افغانستان و فعالیت تروریستی زمینه حضور نیرو های بین المللی و سقوط امارت اسلامی طالبان را فراهم ساخت. امارت اسلامی گروه طالبان در کمترین زمان ممکن سقوط کرد. رهبران و اعضای این گروه یا به خانه های خود برگشتند و یا راه مناطق قبیله ای پاکستان را در پیش گرفتند. رهبران این گروه اکثراً به پاکستان فرار نمودند. اعضای عادی این گروه دوباره به خانه های خود برگشتند و زندگی عادی را در پیش گرفتند. از آغاز حمله ایالات متحده آمریکا تا حمله این کشور به عراق گروه طالبان کمترین فعالیت را داشته است. تحلیل اکثر بر این بود که گروه طالبان همراه با امارت اسلامی خود به تاریخ پیوست. اما زمانی که ایالات متحده آمریکا توجه بیشتر بر عراق نمودند و بخش از نیروهای خود را از افغانستان بیرون کشیدند، گروه طالبان دوباره سرسبز آورد و در برابر نیرو های بین المللی مبارزه مسلحانه را دوباره از سر گرفتند.

سال ۲۰۰۲ را می توان سال بازگشت گروه طالبان نامید. این بازگشت دوامدار شد. در سال ۲۰۰۷ فعالیت این گروه به شکل بی سابقه ای افزایش یافت. با روی کار آمدن حکومت جدید در ایالات متحده آمریکا و فرستادن نیروی بیشتر به افغانستان گروه طالبان دوباره به پناهگاههای خود خزید. با آغاز خروج نیرو های بین المللی گروه طالبان دوباره حملات خود را گسترش دادند. در سال های آخر حکومت حامد کرزی، رئیس جمهور قبلی افغانستان فعالیت این گروه بیشتر شد. همزمان با آغاز پروسه صلح آن ها برای فشار بیشتر بر حکومت حملات خود را افزایش دادند. اما در مدت سیزده سال نتوانستند نقاط استراتژیک کشور را از دست نیرو های بین المللی و نیرو های امنیتی کشور خارج سازد. با روی کار آمدن اشرف غنی، وضعیت دگرگون شد. طالبان حملات خود را شدت بخشیدند. اما زمانی که خبر مرگ رهبر این گروه اعلان شد، حملات آن ها بیشتر شد. گروه طالبان، از زمان روی کار آمدن اشرف غنی ولایت قندز، ولسوالی موسی قلعه در ولایت هلمند، دندغوری ولایت بغلان را برای مدتی به کنترل خود در آورد. همچنین این گروه موفق شده اند جنگ را از جنوب کشور به شمال کشور بکشاند. در عین حال، حملات زیادی را بر کابل، پایتخت افغانستان سازماندهی نماید. دلایل افزایش حملات این گروه چیست؟ در ذیل سعی می کنم، مهمترین و اساسی ترین دلایل افزایش حملات این گروه را به بررسی بگیرم.

اول؛ با حضور داعش در افغانستان گروه طالبان جایگاه و موجودیت خود را در خطر دید. بخش از نیرو ها و اعضایش به گروه داعش پیوست. افرادی که به داعش پیوسته بود، از فعالیت های ضعیف گروه طالبان انتقاد می کرد. این خطری جدی برای فروپاشی این گروه بود. گروه طالبان برای حفظ خود و اعضایش نیازمند آن بود تا حضور خود را برجسته سازد. برای همین، حملات خود را شدت بخشید تا از این طریق هم موجودیت این گروه

عربی قادری

کارتون روز بدون شرح

روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده باز گردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.

روزنامه افغانسان بخش دری و پشوی روزنامه اوت لوک افغانسان است.

دویراین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مسئول وب سایت: مهدی صالحی

کارکارتوریست: خالق علی زاده

افغانستان  
The Daily Afghanistan  
روزنامه  
Outlook  
AFGHANISTAN  
The Daily Afghanistan